

چرا دولت

کمتر به اختلاس‌ها پی می‌برد؟

سیدمحمد مهدی غمامی

در هفته‌های اخیر شاهد اختلاس هنگفت در سیستم بانکی - مالی کشور و رانت‌های ناشی از آن در جهت تأسیس مؤسسات اعتباری و بانک‌های خصوصی با کمک و تسهیلات دولت بودیم و همچنین در نظام واگذاری‌های مربوط به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، با پدیده‌ای که باید از آن تحت عنوان اختلاس‌های نوظهور یاد کرد، مواجه شدیم که در واقع، بردن کل شرکت‌های دولتی و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی دولت (همانند مجتمع‌های عظیم فولاد، خودروسازی، سیمان، باشگاه‌های ورزشی و ...) توسط باندهای خصوصی یا مدیران ارشد دولتی است. در چنین وضعیتی، نظام تبعیض آمیز مالیاتی و فرار مالیاتی نیز از مشاهدات تأسف آمیزی است که امر مبارزه با فساد اقتصادی را الزامی و مهمتر از آن، مسأله ناکارآمدی نظارت‌های اعمال شده بر نظام اقتصادی کشور را مطرح می‌سازد...

سؤال اینجاست که به طور خاص در زمینه مسایل اقتصادی عمده مشکل از کجا ناشی می‌گردد؟ بررسی‌های حقوقی نشان می‌دهد که دفترسازی یا حساب‌سازی و در پی آن، نظارت‌سازی از مهمترین آفات «جهاد اقتصادی» و عامل محرز شده فساد اقتصادی است.

حسابداری که استخدام می‌شوند!

جامعه حسابداران رسمی ایران که به موجب «قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی» در سال ۱۳۷۲ تأسیس شد، موظف گشت تا به عنوان کمک دولت در جهت اعمال نظارت مالی بر واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی و همچنین حصول اطمینان از قابل اعتماد بودن صورت‌های مالی واحدهای مزبور برای حفظ منافع عمومی، اقدام به ارایه خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی نماید. به این ترتیب، قانون بدون آنکه بسترهای لازم جهت مطمئن و کارآمد بودن خدمات مؤسسه مذکور را فراهم آورد، صرفاً به صورت تقلیدی، امکانی را قانونی کرد که خود منشأ بسیاری از مفاسد اقتصادی شد، در حالی که لایحه اولیه گرت‌برداری از نهادهای غیردولتی حسابداری ایالات متحده آمریکا بود و مشاوران تحصیل کرده آن زمان وزارت اقتصاد و دارایی آمریکا، با توجه به حجم بالای گزارش‌ها و دفاتر معوقه بازرسی نشده، به قید فوریت و بدون دقت در

محتوای حقوقی آن، اقدام به پیشنهاد چنین نهادی کردند. با این وجود، ضمانت اجراهای حاکم بر صحت و حسن عملکرد چنین نهاد غیر دولتی را که قرار است دفاتر بنگاه‌های اقتصادی دولتی و غیردولتی را حسابرسی کند و در مقام بازرس قانونی آن قرار بگیرد، مغفول گذاشتند.

به طور ساده، دولت وظیفه نظارتی خود را بدون امکان نظارت مؤثر، به اشخاصی داد که هم حسابدار هستند و هم حسابرس! اشخاصی که هم دفاتر و حساب‌های مالی بنگاه‌ها و نهادهای اقتصادی را تنظیم می‌کنند و هم بازرس قانونی هستند...

این اختیارات را نیز که خود دولت طراح آن برای حسابداران ذیصلاح بوده، مازاد بر حکم قانون بر اساس اساسنامه جامعه مذکور و اصلاحیه آن در ماده یک به امر «ارزیابی سهام و سهم‌الشرکه» و «داوری مالی» تسری می‌دهد، امری که این روزها قیمت آن با توجه به امر واگذاری‌ها و اجرای قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ناظر به ارقام نجومی و بسیار کلان می‌شود و ظاهراً قاطبه پرونده‌های فساد مالی نیز در خصوص قیمت‌گذاری بسیار نازل و غیرواقعی سهام این گونه بنگاه‌ها و سپس فروش اقساطی آن می‌باشد. به این ترتیب، امر حساب‌سازی، حسابرسی صوری و بازرسی قانونی به نحو شایع در امر نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی وارد شده و بدتر از آن، داوری مالی را نیز به حسابداری می‌دهند که جایگاه حسابرس را هم دارد.

ضمانت اجرایی که به تعلیق و حبس بینجامد

با توجه به قانون مزبور و اختیار دستگاه‌های دولتی در استفاده از خدمات سازمان حسابرسی - که تنها سازمان حسابرسی دولتی محسوب می‌شود - یا حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی، پاسخ این سؤال که چرا حساب‌سازی‌های کلان و اختلاس‌ها به ندرت کشف می‌شوند؟ و چرا فرار مالیاتی بسیار شایع است؟ بسیار ساده است، چون قانون فاقد بسترهای لازم بوده و محتاج اصلاح است، اصلاحی که مبتنی بر آن به طور صریح و اتوماتیک‌وار هر کجا که ناظر و بازرس قانونی گزارش تخلف را قاصراً یا از روی تقصیر اعلام نکرده باشد و به طور خاص در قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی، اگر حسابداران ذیصلاح در ارزیابی و حسابرسی خود، با توجه به حق الزحمه قابل توجهی که به جهت حساسیت محاسبات و

آیا می‌دانید که سازمان حسابرسی از زمان تشکیل در سال ۱۳۶۲ تاکنون، حتی یک مورد از تخلف دستگاه‌ها را به قوه قضاییه ارجاع نداده است!

دولت وظیفه نظارتی خود در جهت اعمال نظارت مالی بر واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی را بدون امکان نظارت مؤثر، به اشخاصی داده که هم حسابدار هستند و هم حسابرس، اشخاصی که هم دفاتر و حسابهای مالی بنگاهها و نهادهای اقتصادی را تنظیم می کنند و هم بازرس قانونی هستند!

طرف شخص یا اشخاص حقوقی، اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادهای و یا تعاونیها و غیر آنها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عامداً مباشرت و یا شرکت و یا به گونه‌ای دخالت داشته‌اند، برحسب این که اقدام آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد، به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و به طور کلی، مسوول یا مسوولان ذیربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند، مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند، معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند.»

به هر حال، فقدان چنین ضمانت اجرای مؤثری که هم نهادهای غیردولتی ذیصلاح و هم مسوولان و بازرسان دولتی را ملزم به دقت در امر نظارت و پرهیز از هر گونه دستکاری و عدم اعلام گزارش واقع نماید، آن چنان واضح است که در مجموع اتقان بسیاری از حسابرسی‌های صورت گرفته توسط نهادهای ناظر همانند دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کل کشور و حتی حسابداران سالم مورد تردید است. جالب آنکه حتی در خصوص سازمان حسابرسی که امین انحصاری دولت در حسابرسی رسمی محسوب می‌گردد، بنابر گزارش متقن کمیسیون اصل نود، سازمان حسابرسی از زمان تشکیل در سال ۱۳۶۲ تاکنون حتی یک مورد از تخلف دستگاهها را براساس ماده ۱۵۱ قانون تجارت به قوه قضاییه ارجاع نداده است!

برگرفته از پایگاه تحلیلی رصد



در جهت رعایت منافع عمومی دریافت می‌کنند، حتی اگر دچار خطای محض شوند، باید علاوه بر تعلیق یا ابطال پروانه حسابداری توسط جامعه حسابداران، به عنوان معاونت در جرم اختلاس یا خیانت در امانت یا بردن اموال دولتی و یا جرم فرار از مالیات - مندرج در ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۱۳۶۶) محکوم شوند، چنانچه چنین الزامی براساس تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاطگران در نظام اقتصادی کشور نیز پذیرفته شده و براساس آن مقرر گشته است: «در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون از

طرح جدید دولت چین برای مقابله با فساد مقامات

پول‌ها آمریکا بوده است. دولت چین اعلام کرده است که اجرای دقیق این طرح، مستلزم نظارت دقیق بر سفرهای خارجی مقامات و خانواده‌های آنها و همچنین نظارت بر انتقال دارایی‌های ارزشمند آنها به خارج از چین است. دولت چین مقامات محلی این کشور را موظف کرده است تا جزییات بیشتری را در مورد پرونده‌های فساد مالی به دولت مرکزی ارائه کنند و از فرار مقامات فاسد به خارج از چین، با هدف حافظت از وجهه چین و منافع ملی این کشور، جلوگیری به عمل آورند. براساس این طرح، تمامی مقامات و کارمندان دولتی چین لازم است آمار سفرهای خارجی و همچنین دلیل سفرهای خود را به صورت مکتوب اعلام کنند. پیش از این، فقط مقامات ارشد دولتی موظف بودند جزییات سفرهای خارجی‌شان را ارائه کنند، اما این طرح برای همه مقامات در تمامی سطوح لازم‌الاجرا شده است.

یادآوری می‌کند که چین در چند سال اخیر در اقدامی جدی با همکاری چند کشور، تعدادی از مقامات فاسد را برای محاکمه به چین بازگردانده است.

دولت چین برنامه‌ای را به اجرا در آورده است که براساس آن، بر نقل و انتقالات مالی مقامات از حسابهای بانکی داخلی به حسابهای خارجی نظارت گسترده خواهد شد و از فرار مقامات فاسد به کشورهای دیگر نیز جلوگیری به عمل خواهد آورد. به گزارش الف به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، دولت چین اعلام کرده است که در راستای ریشه کن کردن فساد مالی در سطوح مقامات دولتی این کشور، به شدت بر نقل و انتقالات مالی مقامات این کشور نظارت خواهد کرد تا بدین ترتیب، مسیر برای نقل و انتقال پول توسط مقامات فاسد به حسابهای خارج هموار نباشد.

اجرای طرح جدید دولت چین در ۱۰ منطقه این کشور آغاز شده و وزارت نظارت در این کشور هم مسوول اصلی این اقدامات است.

از سوی دیگر، بانک مرکزی چین هم در گزارش اخیر خود اعلام کرد که هزاران نفر از مقامات فاسد در این کشور، از اواسط دهه ۹۰ بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار از پول بیت‌المال رازدیده‌اند و به خارج از چین منتقل کرده‌اند. مقصد بیشتر این